

عنوان مقاله:

تحیر و تداعی های آن در غزلیات بیدل دهلوی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، دوره 8، شماره 29 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

منصوره بصیریور - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

ایرج مهرکی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

خلاصه مقاله:

نوع عناصری که شاعر حول موتیف (Motif) یا بن مایه های تصویرساز فرامی خواند، تا صورت های ذهنی (Image) را ترسیم کند، بستگی به قدرت و وسعت خیال شاعر دارد. بیدل از جمله شاعرانی بود که توانست با قدرت خیال خویش، عناصری پیرامون بن مایه های تصویرساز فراخواند، که در ظاهر ارتباطی میان آن عناصر و تداعی ها وجود نداشت؛ ولی در قلمرو خیال شخص بیدل، سبب خلق تصویرهای بدیع می شد؛ تجربه هایی که بیدل از عرفان و تصوف داشت، زمینه تصویرهای دور از ذهن را فراهم ساخت؛ و شاعر را در عصری که یافتن مضامین و معانی بیگانه هنر محسوب می شد، یاری کرد. «حیرت» حالتی بود که از راه تصوف و تفکر در دل شاعر عارف درآمد و راه را برای خلق مضامین بدیع و تداعی های دور و غریب هموار کرد. چنین حالتی برای بیدل چنان ارزشمند بود که رمز دو جهان را در متحیر شدن خلاصه کرد. مقاله حاضر که با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی است، درصدد آن است تا با آوردن تداعی ها حول محور عنصر تصویرساز «حیرت»، صورت های ذهنی بیدل را در رابطه با این عنصر نشان دهد و خواننده را در یافتن معنایی واحد یاری کند.

کلمات کلیدی:

بیدل دهلوی، عرفان، تصویر، تداعی، تحیر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1279464>

